

بانکداری اسلامی



گردآوری: محسن زرنیدی مقدم - کارشناس ارشد اقتصاد و بازرگانی

مقدمه

بیش از ۳۰ سال از تأسیس اولین بانک‌های بدون ربا در کشورهای مسلمان می‌گذرد. در این مدت، این بانک‌ها از جهت کمی و کیفی توسعه قابل توجهی یافته‌اند، به طوری که امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی و حتی در برخی از کشورهای غیرمسلمان هم نمونه‌های مختلفی از بانک‌های بدون ربا فعالیت می‌کنند.

بانک‌های بدون ربا اگر چه از جهت حذف ربا از عملیات بانکی مشترکند، اما از جهت انتخاب الگوی عملیاتی و گزینش عقود و روش‌های معاملاتی متفاوت هستند. برخی از بانک‌های بدون ربا از جهت تعداد عقود به کمترین تعداد ممکن و از جهت نوع عقود به نزدیک‌ترین آنها به بانکداری ربوی بسنده کرده‌اند، در مقابل برخی دیگر بر عقود پافشاری می‌کنند که بیشترین تفاوت را با معاملات بانکداری ربوی دارند و گروهی از بانک‌های بدون ربا نیز از ترکیب این قراردادها بهره می‌برند.

این تفاوت الگوها گرچه در بلندمدت به ضرر بانکداری بدون ربا است و مانع از آن می‌شود که مسلمانان و کشورهای اسلامی معاملات پولی و بانکی گسترده داشته باشند، اما در کوتاه مدت این فایده را دارد که الگوها و شیوه‌های مختلف تجربه می‌شوند تا بهترین آنها گزینش شود.

گروهی بهره بانکی را مصداق کامل ربا دانسته‌اند و به دنبال ایجاد بانک‌های اسلامی بوده‌اند که از ۵۰ سال پیش تئوری آن مطرح شد. گروه دوم به توجیه این موضوع روی آورده‌اند و آن را نیاز جامعه دانسته‌اند و به عنوان مصلحت و حاجت به حکم ثانوی به آن تن داده‌اند و گروه سوم نیز بین ربا و بهره بانکی تفاوت قابل شده‌اند و حکم این دو را متفاوت خوانده‌اند. طراحان بانکداری فعلی کشور خودمان را می‌توان جزو گروه سوم دانست.

ربا در صدر اسلام با عملکرد نظام جدید بانکداری مدرن متفاوت است، ضمن آنکه امروزه بدون وجود بانک نمی‌توان به فعالیت اقتصادی دست زد. از نظر علم اقتصاد، ارزش اقتصادی زمان، یک واقعیت زندگی اجتماعی است و با ربا ارتباطی ندارد. همانگونه که در شریعت و فقه موضوع خرید نسیه و پرداخت بهای آن در آینده پذیرفته شده است، موضوع ارزش اقتصادی زمان نیز از همین جنس است و اگر این ارزش را نپذیریم، نظام



رشد بانکداری اسلامی در ۳۰ سال گذشته، قابل توجه بوده است.

اقتصادی ضرر می‌بیند. مسأله تحریم ربا به عنوان یکی از مبانی اصولی نظام اقتصادی اسلام، امری است که به طور سلبی مطرح بوده و مسلم است که حذف ربا به نحو ایجابی، به اندیشه و طرحی خاص اشاره نمی‌نماید. براین اساس، تلاش در جهت برداشتن گام‌هایی فراتر از حذف ربا در راستای ایجاد مبانی استوار برای نظام پولی، مالی و بانکی غیرربوی، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بدیهی است که این امر مهم باید اولاً متکی بر فقه پویای اسلامی باشد، ثانیاً قابلیت‌های لازم را برای اجرایی شدن داشته باشد و ثالثاً از کارایی در خورو شایسته جهت کمک به تأمین اهداف مطلوب اقتصادی جامعه برخوردار باشد.

اصول اساسی اصلاح بانکداری بدون ربا

بیش از یک ربع قرن است که از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران می‌گذرد. ابتدا قرار بود که این قانون



برای مدت کوتاهی به صورت آزمایشی اجرا و پس از شناخت نقاط ضعف و قوت، نسبت به طراحی و اصلاح اساسی آن اقدام شود، ولی این مهم جامه عمل به خود نپوشید. اکنون نهادهای مسوول در صدد اصلاح آن برآمده‌اند و در این رابطه گام‌هایی نیز برداشته شده و اکنون فرصت مناسبی است تا این قانون مورد ارزیابی قرار گیرد و نسبت به اصلاح آن اقدام شود.

در این مدت، سیستم بانکداری بدون ربا در بسیاری از کشورها به صورت محدود و یا گسترده به اجرا گذاشته شده و در کنار آن، مسایل ومشکلات هم در همایش‌ها و سمینارهای علمی مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مدت، بانکداری بدون ربا در ایران به صورت یکپارچه به اجرا گذاشته شده و عملکرد آن نیز به صورت‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. نقدها عمدتاً در دو محور قابل خلاصه کردن است:

محور اول: نقد بانکداری بر اساس انطباق و یا عدم انطباق آن با قوانین و مقررات شرعی.

محور دوم: نقد بانکداری فعلی بر اساس معیار کارایی.

درباره محور اول، دو دیدگاه جدی وجود دارد: یک دیدگاه

این است که بانکداری فعلی در ایران، ربوی‌ترین سیستم بانکداری در جهان است و طرف دیگر طیف، آن را کاملاً منطبق با موازین شرعی دانسته و عملیات آن را محکوم به حلیت و صحت می‌داند. دیدگاه دسته اول به این معنا معطوف است که در عملیات بانکداری بدون ربا در ایران (در مقایسه با عملیات ربوی) صرفاً صورت‌ها تغییر یافته و "سیرت‌ها" همچنان پابرجا هستند. بخش قابل توجهی از مردم نیز چنین تصویری دارند. البته این که چرا این چنین است، جای تأمل فراوان دارد. از نظر دسته دوم آنچه مهم است، ظاهر و صورت‌هاست که درست است و بر اساس نظر این دسته، در ظاهر هیچ یک از عملیات بانکی فعلی مغایرتی با شرع ندارد که کل سیستم فعلی را از دایره حلیت خارج کند و لذا کلیه آنها محکوم به صحت است.

البته بین دو دسته فوق نظرات خاکستری هم وجود دارند که به قسمت‌هایی انتقاد دارند، ولی اساس آنها را مورد تأیید قرار می‌دهند. این دسته هم جزو همان دسته دوم قرار می‌گیرند. اما آنچه بیش از هر چیز مغفول مانده، کارایی سیستم فعلی، یعنی محور دوم است که به صورت اساسی مورد توجه قرار نگرفته و باید در اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا (علاوه بر رعایت مقررات شرعی) مورد توجه قرار گیرد. صاحب این قلم در سه تحقیق جداگانه تحت عناوین "تبیین موضوع و مفهوم ربا از دیدگاه فقهی با توجه به تحولات اقتصادی عصر حاضر"، "بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران" و «ربا و کاهش ارزش پول» به بررسی مبانی نظری و عملکرد، اشکالات اساسی و اجرایی این سیستم پرداخته و هر سه طرح مزبور توسط بانک مرکزی و دانشگاه تربیت مدرس منتشر شده‌اند و لذا در اینجا به مسایل مطروحه در آن تحقیقات پرداخته نمی‌شود، ولی برگزاری هفته بانکداری بدون ربا این بهانه را به دست داد تا به برخی از نکات قابل توجه که توجه به آنها برای اصلاح سیستم فعلی ضروری است، به صورت فهرست‌وار اشاره شود:

توجه به انطباق عملکرد سیستم بانکی فعلی با دستورات شرعی و باز تعریف مفاهیم و پرهیز از صوری شدن مبادلات و معاملات بانکی و به فراموشی سپردن روح عملیات، از اهم اموری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- در سیستم فعلی، توجه به انطباق عملکرد با دستورات شرعی و باز تعریف مفاهیم و پرهیز از صوری شدن مبادلات و معاملات بانکی و به فراموشی سپردن روح عملیات، از اهم اموری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- آموزش کارکنان بانک‌ها و توجیه آنها برای پرهیز از عملیات صوری و همین‌طور، آموزش و آگاهی بخشی به عامه مردم برای ورود حقیقی به بازار عقود اسلامی و فرهنگسازی، از شرایط اولیه صحت عقود در بانک‌هاست.

۳- باز تعریف مفاهیم سنتی در تعریف سیستم فعلی، یکی از ضرورت‌های غیر قابل انکار است که البته انجام آن بدون انجام تحقیقات اساسی و بنیادی در تعریف مجدد مفاهیم اولیه ممکن نیست، کاری که در تحقیق نخست راقم این سطور به آن اشاره شده و تا اندازه‌ای هم انجام شده است. در این رابطه تعریف ربا بر اساس یک نظام مبادله تهاتری صورت گرفته و لازم است که در مورد اجتهاد جدید نسبت به طراحی سیستم هم اقدام شود. این مسأله چیزی است که متأسفانه در ارزیابی‌های اخیر مغفول باقی مانده و بدون تعریف مجدد مفهوم، موضوع و مصادیق ربا با توجه به تحولات اقتصادی عصر حاضر، نمی‌توان سیستم فعلی بانکداری را از ناکارآمدی فعلی خارج ساخت.

۴- علاوه بر توجه به ابعاد شرعی عملیات، نباید بحث کارآمدی را از نظر دور داشت. بدون تردید سیستم فعلی از کارایی لازم برخوردار نیست و اصرار بیش از حد بر حفظ ظاهر و محدود کردن انجام عملیات در قالب عقود معین و عدم تعریف ابزارهای لازم برای انجام و اعمال سیاست‌های پولی، سیستم فعلی را کاملاً ناکارآمد کرده و بخشی از سیستم را با خطر ورشکستگی مواجه ساخته است. لذا لازم است در کنار اصلاح سیستم از لحاظ انطباق با مقررات شرعی، نسبت به طراحی ابزارها و سیاست‌ها و اختیارات مناسب به منظور



افزایش کارآمدی سیستم فعلی هم اقدام شود.

۵- شرط لازم برای اجرای بانکداری بدون ربا، تلاش در جهت کنترل و حفظ ارزش پول است. کاهش مستمر و فاحش ارزش پول در سی سال اخیر، باعث گسترش بازار غیررسمی عملیات ربوی از یک طرف و کاهش انگیزه سپرده‌گذاران از طرف دیگر و در نتیجه، موجب ضعف بانک‌ها در جذب سپرده‌ها و در نهایت کاهش قدرت مانور آنها شده است. بی‌توجهی به موضوع جبران کاهش ارزش سپرده‌ها، آن هم در شرایط تورمی، باعث ضرر و اجحاف به سپرده‌گذاران، انتقال سپرده‌ها از حساب‌های قرض الحسنه و جاری به بازارهایی که بتواند قدرت خرید را حفظ کند، گسترش بازار ربا، انتقال وجوه سپرده‌گذاری از بانک‌های دولتی به بانک‌های خصوصی و از بانک‌های خصوصی به بازارهای دلالی و ربوی، ناتوانی بانک‌ها و کنترل حجم پول و ... شده است. لازم است برای حل معضل مذکور، فکری اساسی صورت گیرد. هم‌چنین لازم است ضرر و زیان سپرده‌گذاران توسط کسانی که از کاهش ارزش پول منتفع می‌شوند، جبران شود. این کاری است که به طور مفصل در کتاب "ربا و کاهش ارزش پول" به تفصیل درباره آن بحث کرده‌ام و خوانندگان محترم را به مطالعه آن دعوت می‌کنم.

۶- بدون توجه به اصول پنج گانه بالا، هرگونه اصلاح و اقدام چیزی جز وصله پینه کردن سیستم نخواهد بود. در واقع، اقدامات ظاهری صرفاً به تغییر نام‌ها و عناوین منجر می‌شوند، چیزی که باید آن را نوعی "ظاهرسازی شرعی عملیات ربوی" دانست. البته آنچه گفته شد، کار جمعی آشنا به مسایل اقتصادی از یک طرف و مسایل شرعی در حد اجتهاد از طرف دیگر است و نمی‌توان با چند بخشنامه و دستورالعمل به اصلاح آن پرداخت و تصور بر این است که با تصویب و اجرای پیش‌نویس‌های فاقد این ویژگی‌ها، مشکلات بانکداری در ایران همچنان باقی خواهند ماند.

ضرورت توجه به مسأله

اهمیت نقش بانک در عصر کنونی واضح است و یکی از نقش‌های آن هم واسطه‌گری مالی بین پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران است. این نقش می‌تواند اهمیت شایانی در کمک به تبدیل سرمایه داشته باشد. به بیانی دیگر، وظیفه اساسی بانک‌ها، تجهیز و تخصیص پول و متفرعات و اوراق جایگزین آن است که با قبول سپرده‌ها و دادن وام عملی می‌گردد. این نقش، ضرورتی حیاتی برای شکوفایی و رشد اقتصاد جامعه و ادامه حیات بالنده آن است و نکته اساسی در این رابطه هم کیفیت ایفای این نقش است. اسلام مخالف اندیشه بانک و بانکداری نیست، البته مادامی که مخالف کتاب و سنت و ارزش‌ها نباشد، بلکه مخالفت اسلام با بانکداری ربوی مبتنی بر نرخ بهره است.

در اقتصادهای مبتنی بر ربا و بهره، نظام مالی و ابزارهای مربوط، عموماً بدون هر گونه محدودیتی، براساس نقش نرخ بهره شکل گرفته و در طول زمان و مطابق با نیازهای زمان و جامعه، مراحل تکامل و پیشرفت خود را طی نموده است. در این سیر تکاملی، نظام مالی مانند هر نظام دیگر ساخته دست انسان، با حفظ پایه و اساس خود که همان بهره و ربا باشد، تغییرات و تحولات مختلفی را شاهد بوده که به دلیل پیشرفت جوامع و پدیدار شدن نیازهای جدید، امری اجتناب‌ناپذیر بوده است.

همچنان که می‌دانیم، اسلام به طور قاطع و شدید با ربا و مظهر امروزی آن بهره، مخالفت نموده و آن را به صورت کامل و در هر شکلی تحریم می‌نماید، اما اینکه به همین بعد منفی اکتفا گردد، نظری نسنجیده و غیرعلمی است.

گرچه درک عامه از نظام اقتصادی و مالی اسلام این است که این نظام تنها در تحریم ربا با سایر نظام‌ها تفاوت دارد، اما به نظر می‌رسد که برخورد منفی با یک پدیده ناپسند، گرچه ضروری است، ولی به تنهایی کافی نیست و علاج کار نمی‌باشد. بنابراین، تحریم معاملات مبتنی بر بهره، اساس یک نظام اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد، اما به هیچ وجه توصیفی کامل و کافی از کل این نظام را به دست نمی‌دهد. در نتیجه، تلاش در جهت آرایه راه‌ها و روش‌های علمی جایگزین که اساس یک تعامل مثبت را شکل می‌دهد، مورد توجه اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته و البته در این خصوص، توجه اصلی هم به نظام بانکی معطوف گردیده است. از آنجایی که حذف نرخ بهره عموماً نخستین گام در اسلامی کردن اقتصاد در کشورهای مسلمان تلقی شده، لذا طبیعی به نظر می‌رسد که چگونگی بانکداری بدون بهره، بیشترین توجه را به خود معطوف نماید. برای داشتن یک نظام پولی مالی اسلامی، باید گام‌هایی فراتر از حذف ربا برداشت و باید تلاش نمود تا به یک پایه و اساس محکم برای چنین نظام و سیستمی دست یافت که مبتنی بر فقه اسلامی باشد و در عین حال، قابلیت‌های لازم برای اجرایی و عملی شدن رقابت در دنیای امروز را نیز داشته باشد.

موضوع بانکداری اسلامی و پی‌ریزی یک اساس شرعی برای آن، مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است و راه‌هایی نیز آرایه گردیده که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

گروهی بهره بانکی را مصداق کامل ربا دانسته‌اند، گروه دوم به توجیه آن روی آورده‌اند و به احکام ثانوی تن داده‌اند و گروه سوم نیز بین ربا و بهره تفاوت قایل شده‌اند. طراحان بانکداری فعلی کشور را می‌توان جزو گروه سوم دانست.

– روش جبران کاهش قدرت خرید پول در عملیات بانکی بدون ربا.

– روش وام متقابل در بانکداری بدون ربا.

– روش نظام بانکی غیرربوی مبتنی بر نرخ سود یا نرخ بازگشت سرمایه (نظام مشارکتی).

نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، براساس روش سوم استوار است و تاکنون از جهات مختلف نظری و عملی – کاربردی و نیز انطباق عملیاتی آن با موازین شرع مورد بررسی و مطالعه و بعضاً نقد قرار گرفته است. مهم‌ترین انتقادهای وارده بر آن را هم می‌توان در چند محور خلاصه نمود:

– در نظام موجود از جهت عملکردی، انطباق با موازین شرع رعایت نمی‌شود.

– در بخش‌هایی هم که به ظاهر، به عقود اسلامی عمل می‌شود، تنها یک امر قالبی و شکلی است و لذا روح ربا و بهره در نظام بانکی فعلی هنوز پنهان است.

– تبدیل بانک از یک واسطه مالی و موسسه پولی به شرکتی که بایستی با بسیاری از کارهای تجاری و تخصصی آشنا باشد، در حالیکه چنین امری نه به راحتی امکان‌پذیر است و نه در عمل اتفاق افتاده است، ضمن آنکه اگر هم عملی شود، دیگر بانک اسلامی، تحقق نیافته، بلکه به جای آن، یک شرکت تخصصی دارای فنون و مهارت‌های مختلف ایجاد گردیده است.

در نظام مشارکتی بانکداری غیرربوی، تنزیل و بیع دین، تنها به عنوان یکی از ابزارها، همانند تنزیل در نظام‌های بانکداری ربوی مطرح بوده و در این خصوص مباحثی نیز مطرح گردیده است. براساس این ابزار و نحوه کارکرد آن در نظام بانکی، ابزار دیگری تحت عنوان تنزیل مجدد به عنوان اهرمی جهت تنظیم سیاست‌های پولی در هر دو نظام بانکداری ربوی و غیرربوی مطرح شده است. گرچه امروزه در ایران و به خصوص پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، استفاده از سازوکار تنزیل و تنزیل مجدد به کلی منسوخ گردیده و در عین حال، به نظر می‌رسد که باتوسعه ابزارهای جدید، ابزار تنزیل مجدد در بیشتر کشورها، اهمیت خود را به عنوان یک ابزار سیاست پولی از دست داده است، اما هدف این است که در بازار پول و سرمایه و بازار معاملات مالی دست دوم و ثانویه در یک نظام مالی اسلامی، ابزارهای مالی قابل قبولی که قابلیت نقدی، امنیت و سوددهی داشته باشند و در عین حال، با احکام شرع منطبق باشند، به وجود آید.

بستر مناسب و گسترده‌گی

روابط اقتصادی جهان در عصر کنونی مملو از دیون و بدهی‌هاست و یک دلیل آن هم شجاعت مردم نسبت به قبول خطر برای نیل به سطوح بالاتر زندگی از لحاظ امکانات فعلی آنهاست. امروزه در جهان، دیون و بدهی‌ها، تمامی افراد و بنگاه‌ها و حکومت‌ها را در بسیاری از ابعاد زندگی در بر گرفته است، به شکلی که بدهی‌ها تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم در هر مکانی دارند و این نشان دهنده اهمیت مسأله دیون و بدهی‌هاست.

در سطح فردی، بعضی از آمارها نشان دهنده این مطلب است که تا ۹۰ درصد درآمد ماهانه بعضی از افراد، صرف دیون مختلف آنان که ناشی از مسایل متنوع و گوناگونی است، می‌گردد، مسایلی نظیر خرید منزل، ماشین و اسباب و اثاثیه منزل، وام‌های بانکی جهت مصرف و ... در مورد بنگاه‌ها هم دیون مهمترین منبع تأمین مالی به شمار می‌روند و لذا بازارهای مالی دنیا، بیشتر بازارهای دیون هستند تا بازارهای سهام. همچنین بیشتر شرکت‌ها در تمامی کشورها، اقدام به صدور سندهای دین می‌نمایند و در نتیجه، دارایی‌هایشان معمولاً نشأت گرفته از دیون است. حداکثر ۴/۵ درصد منابع تأمین مالی شرکت‌های سهامی را بازارهای مالی تشکیل می‌دهند، در حالیکه حدود ۹۳ درصد آنها ناشی از سندهای بدهی است و این علاوه بر وام‌های بانکی است.

در سطح حکومتی هم دین‌ها و بدهی‌های انباشته شده بعضی از دولت‌ها به بیش از ۱۰۰ درصد تولید داخلی می‌رسد. به عنوان نمونه، دیون و بدهی‌های دولت آمریکا به حدود ۵۰ درصد کل پس‌اندازها و منابع این کشور می‌رسد و در هر سال بهره‌های این دیون به صورت سهمی از درآمد ملی کشورها در سطح بسیار بالایی قرار می‌گیرد.

البته مباحثی در زمینه حیات انگیزشی فرد، بنگاه و حکومت برای سوق دادن آنها به سمت دیون به جای سایر ابزارها و نیز مطالبی در خصوص اسباب گرایش به معاملات براساس دین و خرید و فروش بر روی آن مطرح است که بحث در مورد آن‌ها از حوصله مقاله حاضر خارج است، اما باتمام این اوصاف، دین موضوعی با قدمتی طولانی است و مردم در کلیه ادوار تاریخی، معاملات و دادوستدهایی را که منجر به ایجاد بدهی می‌گردیده، انجام می‌داده‌اند. همچنان که بحث تنزیل

ساماندهی یک اقتصاد بدون ربا در بخش پولی صرف، تنها از طریق قرض و تنزیل میسر است.





قرآن همانطور که با رباخواری و احتکار و بخل مخالفت کرده، برای امور تجاری هم مقررات دقیقی را وضع کرده است.

فقهی است. در مورد بیع دین به دین، دیدگاه مشهور فقهی مبتنی بر حرمت است. اما رأی مشهور فقهی، تنزیل و بیع دین پولی را جایز می‌داند، همانطور که بعضی به این امر اذعان نموده‌اند و شهید صدر نیز تصریح می‌نمایند که بسیاری از علما آن را جایز می‌دانند و معاصران هم می‌توان به آیات عظام خوبی، گلپایگانی، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم، وحیدی و... اشاره نمود. البته در خصوص بیع دین یا همان تنزیل، مطلب مهم‌تر، به ویژه از حیث کاربردی و اجرایی، وجود رأی موافق فقهای شورای نگهبان است که ما را از هر گونه شک و تردید، به خصوص در حیطه اجرا، رها می‌سازد. نکته مهم دیگری که در این جا وجود دارد، اشارات قرآنی در این مورد است و آن هم وجود بزرگ‌ترین آیه قرآن در مورد دین و کتابت آن است که حاوی بیش از ۲۰ نکته قرآنی در ارتباط با کتابت و نوشتن دین بوده و جالب آنکه این آیه دقیقاً پس از چند آیه‌ای که در نهی شدید ربا وارد شده، قرار دارد.

اشارات قرآنی

آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره با موضوع بحث ما تناسب و پیوند خاصی دارد و لذا به طور کامل آن را می‌آوریم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به یکدیگر دینی پیدا کردید به سبب خرید و فروش، وام و جز اینها، تا سرآمدی معین، پس آن را بنویسید و نویسندگی میان شما آن را به درستی و داد بنویسید، و نویسندگی

و بیع دین نیز از دستاوردهای جدید و مختص به عصر مانیست، بلکه موضوعی با قدمت زیاد است. لذا بعضی از صاحب‌نظران تاریخ تحولات اقتصادی اظهار داشته‌اند که وثیقه‌های بابلی و آشوری مربوط به ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد، متضمن مواردی حاکی از سندهای دین بوده و نیز وثیقه‌ها و سندهای دین در حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، در بازارها خرید و فروش می‌شده و مورد معامله قرار می‌گرفته است.

البته امروزه شیوع گسترده دیون، پدیده‌ای است که از نشانه‌ها و ویژگی‌های عصر جدید، به خصوص در عقود و قراردادهای معاملات در قرن بیستم به شمار می‌رود. شکی نیست که پدیده دیون، با این ابعاد وسیع، موجب بروز مسایل متعددی گردیده که نیاز به دقت و تأمل دارد و از جمله اینها می‌توان به معاملات بر اساس دین اشاره نمود که امروزه به شکل‌ها و صورت‌های گوناگون، بازارهای مالی را تسخیر کرده و باعث گردش ثروت در سطح این بازارها می‌شود، ولی در عین این که موضوع دیون و بدهی‌ها از مهم‌ترین و خطیرترین مسایل اقتصادی معاصر است، اما با این حال، نوشته‌ها و متون مربوط به این زمینه از دیدگاه اسلامی بسیار کم است.

در تفکر اسلامی نیز موضوع بیع دین، ریشه‌ای عمیق و دیرینه دارد و در جامعه اسلامی و تاریخ اقتصادی آن از صدر اسلام مورد پذیرش قرار گرفته و به آن عمل شده است. یکی از معاملات رایج در جزیره‌العرب که در اسلام نیز با شرایطی مورد قبول واقع شده، خرید دین یا ذمه شخص توسط شخص دیگر است. این موضوع در اندیشه متفکران اسلامی و اقتصاددانان مسلمان معاصر نیز مطرح بوده و لذا در باره آن به تبادل نظر و اندیشه پرداخته‌اند. نمونه زیر یکی از مواردی است که به این مسأله پرداخته و در آن بازارهای اولیه و ثانویه خرید و فروش دین را مطرح می‌نماید.

شایان ذکر است که بازار اولیه، آن بازاری است که ارتباط در آن به طور مستقیم بین فروشنده دین با خریدار دین است. حال اگر خریدار دین، مالکیت دین خریداری شده را حفظ کند تا اجل آن دین فرا برسد و به اصطلاح دین حال گردد، معامله در سطح بازار اولیه خاتمه می‌پذیرد و از آن فراتر نمی‌رود، اما معامله و بیع بسیاری از دیون تکرار می‌شود و در بازارهای منظم و مخصوصی صورت می‌پذیرد. این دیون در این بازارها دست به دست می‌شوند تا زمان اجل آنها برسد و حال گردند. در چنین صورتی، این بازارها، بازارهای ثانویه برای دیون می‌باشند.

جایگاه بیع دین (تنزیل) در اقتصاد بدون ربا

به لحاظ نظری، اولین موضوع در مورد بیع دین (تنزیل) تبیین موقعیت آن در اقتصاد به طور کلی و قطعی از دیدگاه شرع می‌باشد. منظور از مبادلات پولی محض که در طرفین مبادله از کالا و خدمت هیچ اثری نیست، معاملاتی است که صرفاً بین پول و دیون پولی صورت می‌گیرد. تنها چهار روش قرض، ربا، بیع دین (تنزیل) و بیع دین به دین وجود دارند که می‌توانند بدون لحاظ جنبه شرعی آنها، اساس و پایه مبادلات پولی صرف باشند. در مورد صورت اول که قرض است و صورت دوم که ربا هست، حکم هر دو صورت را از جهت فقهی و شرعی، معلوم فرض می‌نماییم، یعنی قرض را پذیرفته شده و ربا را تحریم شده تلقی می‌کنیم. در مورد تنزیل و بیع دین به دین هم آنچه مهم است، دانستن رأی مشهور



**تجربه بانک‌های بدون
ربا نشان می‌دهد
که با حداکثر پنج یا
شش نوع قرارداد هم
می‌توان تمام نیازهای
مشتریان را جواب داد.**

بر ندارد. ای مؤمنان! اگر فرمان خدا را عمل نکنید و باقیمانده ربا را به صاحبش رد نکنید، بدانید که شما در مقام جنگ با خدا و رسول خدا (ص) می‌باشید، و اگر از این عمل شیع توبه کنید و آن زیادتی را که ظالمانه و بلاعوض گرفته‌اید، به صاحبش رد کنید، اصل مال برای شما حلال است که بگیری، نه ظلم و تعدی کنید و علاوه بر حق خود طلبکار باشید.

بنابراین، همانطور که قرآن بارها خواری و احتکار کردن و بخل، سخت‌مبارزه کرده، برای امور تجاری و اقتصادی نیز مقررات دقیقی را بیان داشته است تا هر چه بیشتر سرمایه‌ها، رشد طبیعی خود را بنمایند و هیچ‌گونه بن‌بست و اختلاف و نزاعی پیش نیاید.

نتیجه این می‌شود که ساماندهی یک اقتصاد بدون ربا در بخش پولی صرف، تنها از طریق قرض و تنزیل میسر است و قرض علیرغم حل بخشی از مسایل، به جهت محدودیت‌هایی که دارد، به تنهایی قادر به پاسخگویی به تمام مسایل، به خصوص در ایجاد و تنظیم بخش پولی نیست و این تنزیل است که می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند.

ساختار تعیین نرخ سود در نظام کنونی بانکداری بدون ربا

در حال حاضر، براساس ماده ۳ این نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی با تصویب شورای پول و اعتبار اقدام به تعیین حداقل نرخ سود (بازده) احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و همچنین تعیین حداقل و یا عنداللزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی می‌نماید. همچنین براساس بند ۷ ماده ۳، بانک مرکزی حداکثر میزان حق الوکاله بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تعیین می‌نماید. براین اساس، بانک مرکزی در هر دوره نرخ سود علی‌الحساب سرمایه‌گذاری برای سپرده‌های کوتاه مدت (یکساله، دو ساله، سه ساله، چهار ساله، پنج ساله) را تعیین می‌نماید و در کنار این امر، نرخ سود مورد انتظار تسهیلات در بخش‌های صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، کشاورزی، بازرگانی، خدمات و صادرات را هم با نظر شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند.

جدول شماره یک، نشانگر سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت پنج ساله و مقایسه آنها با نرخ تورم طی

پاس این که خدا به او (نوشتن) آموخته است، نباید از نوشته سر باز زند. پس باید بنویسد و کسی که حق بر گردن اوست، وامدار و بدهکار باید وام‌نامه را املا کند و از خدای، پروردگار خویش پروا داشته باشد و چیزی از آن نکاهد. پس اگر کسی که حق بر گردن اوست، کم خرد یا ناتوان یا کودک و مانند آن بود یا نتواند املا کند، سرپرست او به درستی و داد املا کند، و دو گواه از مردانتان به گواهی گیرند، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و یک زن از گواهانی که بپسندید که اگر یکی از آن دو فراموش (یا اشتباه) کند، دیگری به یادش آورد. و چون گواهان را بخوانند، نباید سرباز زبند. و از نوشتن آن وام یا بدهی، کوچک باشد یا بزرگ تا سرآمد آن دل‌تنگ و آزرده مشوید. این نزد خداوند عادلانه‌تر و گواهی را پاینده‌تر و به آنکه در شک و بدگمانی نیفتید، نزدیکتر است، مگر آنکه بازرگانی نقد باشد که میان خود (دست به دست) می‌گردانید، پس گناهی بر شما نیست که آن را بنویسید، و چون خرید و فروش کنید، گواه گیرید، و به نویسنده و گواه نباید زیان برسد، و اگر چنین کنید، آن نافرمانی شماست. و از خدا پروا کنید، و خدا شما را می‌آمزد و خدا به هر چیزی داناست.

جالب توجه اینکه این آیه، بزرگ‌ترین آیه قرآن است و در آن در مورد دین و به خصوص ابعاد مختلف نوشتن و مستند کردن و اهمیت کتابت آن مباحث متنوعی مطرح گردیده که بعضی تا ۱۸ دستور را از این آیه استخراج نموده‌اند. از تمام این دستورات فهمیده می‌شود که اسلام به مسأله دین و کتابت آن اهمیت داده است. قابل توجه اینکه در آیه، کلمه دین استعمال شده، برای آنکه قرض تنها در تبادل دو چیز که مانند یکدیگرند، استعمال می‌گردد، مانند این که پول یا جنسی را به عنوان قرض بگیرند و از آن استفاده کنند و سپس همانند آن را رد نمایند، ولی دین دامنه وسیع‌تری دارد، زیرا هر گونه معامله که انجام گیرد مانند اجاره، خرید و فروش و مانند آن، سپس یکی از طرفین بدهکار گردد، آن را دین گویند. بنابراین، آیه مورد بحث شامل تمام معاملاتی می‌شود که به طور سلف و یا نسیه انجام گیرند و در عین حال قرض را هم در بر می‌گیرد.

نکته قابل تعمق دیگر این است که این آیه دقیقاً بلافاصله پس از آیات مربوط به موضوع ربا و نهی و انکار شدید آن، یعنی آیات ۲۷۵ به بعد سوره بقره، آمده است.

آیه ۲۷۶ سوره بقره: **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كَلَّافًا أَثِمًا** (خداوند بی‌برکت نموده ربا را، و نمو و زیادتی داده صدقات و نظیر آن را. خداوند دوست ندارد مردم سخت بی‌ایمان گنه پیشه را.)

آیه ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ** (آیه خطاب به کسانی است که به حق و حقیقت گرویده‌اند و تقوا و پرهیزکاری پیشه خود نموده‌اند. می‌فرماید آنچه از ربا گرفته‌اید، به صاحبش واگذارید، اگر از روی حقیقت و واقعیت ایمان آورده‌اید، به مؤمنان تذکر می‌دهد که در ربا به گمان شما نفع وجود دارد و مال شما زیاد می‌شود، در حالیکه خیال و گمان فاسدی است، بلکه به عکس ربا جز ضرر و زیان و سیاه‌روزی چیز دیگری در

نرخ‌های سود اسمی و واقعی در دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۲

سال	نرخ سود پرداختی کوتاه مدت (کمتر از شش ماه)	نرخ سود پرداختی یکساله	نرخ سود پرداختی پنج‌ساله	نرخ تورم سالانه	نرخ سود واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت	نرخ سود واقعی یکساله	نرخ سود واقعی سپرده‌های بلندمدت
۱۳۷۲	۸	۱۱/۵	۱۶	۲۲/۹	-۱۴/۹	-۱۱/۴	-۶/۹
۱۳۷۳	۸	۱۱/۵	۱۶	۳۵/۱	-۲۷/۲	-۲۳/۴	-۹/۱
۱۳۷۴	۸	۱۴	۱۸/۵	۴۹/۴	-۴۱/۴	-۳۵/۴	-۲۰/۹
۱۳۷۵	۸	۱۴	۱۸/۵	۲۳/۲	-۱۵/۲	-۹/۲	-۴/۷
۱۳۷۶	۸	۱۴	۱۸/۵	۱۷/۳	-۹	-۳/۳	۱/۲
۱۳۷۷	۸	۱۴	۱۸/۵	۲۰	-۱۲	-۶	-۱/۵
۱۳۷۸	۸	۱۴	۱۸/۵	۲۰/۴	-۱۲/۴	-۶/۴	-۱/۹
۱۳۷۹	۸	۱۴	۱۸/۵	۱۲/۶	-۴/۶	۱/۴	۵/۹
۱۳۸۰	۷	۱۳	۱۷	۱۱/۴	-۴/۴	۱/۶	۶
۱۳۸۱	۷	۱۳	۱۷	۱۵/۸	-۸/۸	-۲/۸	۱/۲
۱۳۸۲	۷	۱۳	۱۷	۱۵/۶	-۸/۶	-۲/۶	۱/۴

سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ است.

همانطور که در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود، نرخ تورم به جز در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ همواره بیش از نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری یکساله بوده و به این ترتیب، سپرده‌گذاران عملاً در نتیجه سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها، متضرر شده‌اند و قدرت خرید سپرده‌های خود را از دست داده‌اند. ظاهراً نرخ‌های سود براساس رابطه زیر تعیین گردیده است:

نرخ سود = نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات - (کارمزد + هزینه‌های ریسک + سود بانک)

توضیح اینکه فرض بر این است که در بانکداری بدون ربا، رابطه فوق بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات پس از تعیین سود قطعی بانک برقرار می‌باشد. لذا بر این اساس، نرخ‌های سود سپرده‌ها براساس شاخص‌های مرتبط که مهم‌ترین آنها تورم است، تعیین می‌شود. سپس با محاسبه متوسط موزون هزینه سود پرداختی بانک‌ها روی سپرده‌ها و علاوه نمودن هزینه‌های عملیاتی و کارمزد بانک، متوسط نرخ تسهیلات و در نهایت انواع نرخ‌های تسهیلات و نرخ‌های سود در هر بخش از اقتصاد را بدست می‌آورند، اما به نظر می‌رسد که تحقق سود تسهیلات اعطایی شکل پیچیده‌تری دارد. از رابطه مربوط به تعیین نرخ سود سپرده‌ها می‌توان نتیجه گرفت: نرخ کارمزد و سود + نرخ ریسک + نرخ سود سپرده = نرخ سود مورد انتظار تسهیلات.

در بین عوامل سه گانه فوق محاسبه نرخ ریسک از پیچیدگی خاصی برخوردار است. ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی، با توجه به نوع تسهیلات مورد مصرف، نوع صنعت و اثر متغیرهای اقتصادی بر چشم‌انداز آتی صنعت

مورد نظر، شخصیت و ظرفیت استفاده‌کننده از تسهیلات، نوع وثایق مأخوذه، مدت استفاده از تسهیلات و زمان پرداخت، روند گذشته وضعیت بازپرداخت تسهیلات و سایر عوامل مؤثر، ممکن است بسیار پایین و در حد صفر تلقی شود و یا بسیار بالا برآورد شود، به نحوی که تسهیلات مورد نظر جزو مطالبات غیرقابل وصول و سوخت شده طبقه‌بندی گردد. در این صورت، اثر نرخ ریسک به عنوان یکی از عوامل تعیین نرخ سود مورد انتظار تسهیلات تعیین کننده است. به این ترتیب، تحقق نرخ سود مورد انتظار بانک‌ها مستلزم آن است که تعیین نرخ سود مبتنی بر ریسک باشد و هنگام اعطای تسهیلات در هر مورد نرخ سود متناسب با نرخ ریسک تعیین گردد.

همانطور که بیان گردید، در کشور ما نرخ سود سپرده‌های بانکی و همچنین سود تسهیلات اعطایی توسط شورای پول و اعتبار تعیین و از طریق بانک مرکزی به سیستم بانکی ابلاغ و بر اجرای آن نظارت می‌شود. نرخ‌های اعلام شده عملاً غیرقابل انعطاف است و بانک‌ها موظف به مراعات آن هستند. اعمال سیاست‌های پولی و نحوه نظارت بر عملیات سیستم بانکی کشورمان به گونه‌ای است که پوشش ریسک از طریق تغییرات نرخ سود عملی نیست.

شورای پول و اعتبار در جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی، نرخ سود تسهیلات بانکی را به نسبتی که حمایت از فعالیت‌های هر یک از بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، صادرات، بازرگانی و خدمات) ایجاد می‌کند، تعیین می‌نماید. نرخ سود تسهیلات اعطایی بخش صنعت و معدن در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ به شرح جدول شماره دو به سیستم بانکی کشور ابلاغ شده و مورد

تازمانی که حکم ربوی بودن مناسبات استقراضی بر ارزش صوری یا اسمی پول استوار است، تغییر ساختار نظام بانکی، تنها مشکلات روبنایی این نظام را رفع و رجوع می‌کند.

نرخ‌های سود (درصد در سال)						بخش اقتصادی
سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۸۱	سال ۱۳۸۰	سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹	سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷	سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴	
	۱۵ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۸	۱۷ تا ۱۹	۱۷ تا ۱۹	۱۶ تا ۱۹	صنعت و معدن

**میزان مطالبات
سررسید گذشته
و معوق در مورد
تسهیلات اعطایی
به بخش خدمات و
بازرگانی، نسبت
به سایر بخش‌های
اقتصادی کمتر است.**

در این بخش‌ها بیشتر از بخش خدمات و بازرگانی است، اما وجود این، نرخ سود تسهیلات اعطایی مربوط به آنها در سطح ۱۳ تا ۱۷ درصد تعیین گردیده است.

این تفاوت نرخ سود با توجه به الزامات وضعیت اقتصادی کشور و لزوم حمایت از بخش تولید به عنوان جزئی از برنامه کلان اقتصادی لحاظ گردیده که جهت گذر موفقیت‌آمیز از دوران توسعه اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد، لکن اعمال سیاست‌های اقتصادی از طریق محدودیت نوسانات نرخ سود و به تبع آن، عدم تناسب با سود مورد انتظار، سیستم بانکی را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. به نظر می‌رسد که تأمین بودجه از محل درآمد عمومی به منظور جبران مابه‌التفاوت مربوط به تفاوت سود مورد انتظار با سود تعیین شده، راهکار مناسبی در این زمینه باشد.

به این ترتیب، پایین‌تر بودن نرخ سود تسهیلات در بعضی از بخش‌های اقتصادی نسبت به سود سپرده‌ها که باعث تصمیم‌گیری‌های غلط فعالان اقتصادی می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. برای مثال، در حال حاضر، نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی و نرخ سود سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله به شرح زیر است:

- نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی: ۱۳/۵ درصد

- نرخ سود سپرده بلندمدت پنج‌ساله: ۱۷ درصد

این امر باعث می‌شود که هر کسی تا حد اکثر ممکن به دنبال استفاده از تسهیلات بخش کشاورزی باشد و با سپرده‌گذاری همان تسهیلات، از چهاردرصد مازاد مربوطه منتفع شود.

در نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار دامنه تغییرات نرخ سود در یک بخش اقتصادی مختصر و در سال‌های اخیر از یک درصد تا سه درصد بوده است. در دیدگاه حاکم بر تعیین دامنه یاد شده، به لزوم حمایت از نوع فعالیت مرتبط با تسهیلات اعطایی توجه شده و مدت استفاده از تسهیلات کماکان در تعیین نرخ سود بی‌اثر مانده و یا اثر معکوس داشته است. نرخ سود در مورد اعطای تسهیلات جهت اجرای طرح‌های تولیدی در بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی که قاعدتاً بلندمدت هستند، معادل حداقل نرخ سود در آن بخش منظور شده، در حالیکه نرخ سود تسهیلات سرمایه در گردش در بخش‌های مذکور که به صورت کوتاه مدت است، معادل حداکثر نرخ سود در آن بخش، در مدنظر قرار گرفته است.

عمل قرار گرفته است.

تعیین نرخ سود تسهیلات براساس بخش‌های مختلف اقتصادی و محدود کردن نوسانات نرخ سود به نرخ قطعی تعیین شده از طرف شورای پول و اعتبار، این امکان را که ریسک پذیرفته شده از طریق نوسانات نرخ سود پوشش داده شود، تا حدود زیادی از بانک‌ها سلب نموده است.

صرفنظر از تحقیقاتی که در دانشکده‌های مالی-اداری دانشگاه‌های کشور به طور اعم و در مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران به طور اخص در خصوص ارزیابی ریسک عدم بازپرداخت انواع تسهیلات به صورت پراکنده صورت گرفته، سیستم بانکی کشور این موضوع را به طور جدی و به صورت عملی مورد توجه قرار نداده است. نظر به ساختار اقتصادی کشور که در حال حاضر دوران توسعه اقتصادی را پشت سر می‌گذارد و زیرساخت‌های اقتصادی در حال شکل‌گیری و تکمیل هستند، بخش تولید در بسیاری از زمینه‌ها کماکان از بازده مطلوبی برخوردار نیست و سرمایه‌گذاری در بخش بازرگانی و خدمات، از ریسک کمتر و بازدهی بیشتری برخوردار است، مضافاً اینکه دوره بازگشت سرمایه در بخش‌های تولیدی به مراتب طولانی‌تر از بخش خدمات و بازرگانی است و این موضوع، به ویژه در شرایط عدم ثبات اقتصادی حایز اهمیت است، چرا که سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زودبازده تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

نگاهی به تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال‌های گذشته نیز مؤید آن است که تسهیلات اعطایی در بخش‌های خدمات و بازرگانی به نسبت کل تسهیلات اعطایی با مطالبات سوخت شده کمتری مواجه شده است. به عبارت دیگر، میزان مطالبات سررسید گذشته و معوق در تسهیلات اعطایی به بخش خدمات و بازرگانی، نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی (به جز بخش مسکن که از وضعیت خاص برخوردار است) کمتر بوده است. به این ترتیب، علیرغم اینکه اعطای تسهیلات در بخش است خدمات و بازرگانی می‌بایست به علت پذیرش ریسک کمتر با سود مورد انتظار کمتری همراه باشد، بیشترین نرخ سود تسهیلات مربوط به این بخش است (۲۲ تا ۲۵ درصد). سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و کشاورزی به دلایل عنوان شده در بالا با ریسک بیشتری مواجهند. آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نیز نشان می‌دهد که ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی

تعیین نرخ سود به ترتیب فوق، منجر به این شده که نرخ سود تسهیلات کوتاه مدت بیشتر از نرخ سود تسهیلات بلندمدت گردد، در حالیکه دوره باز یافت بیشتر، عملاریسک بیشتری را دربردارد و سود مورد انتظار بیشتری را می طلبد و تسهیلات کوتاه مدت با دوره باز یافت کمتر می بایست با نرخ سود کمتری همراه باشد، همچنان که نرخ سود بین بانکی بازارهای پولی دنیا مانند Libor نیز از چنین قاعده ای پیروی می کند.

نگاهی به بازار غیررسمی پول، عدم تناسب نرخ سود تسهیلات بانک ها با نرخ سود مورد انتظار بازار را ملموس تر می سازد. بازار غیررسمی پول و سرمایه ایران، علیرغم گستردگی اش، از انسجام خاصی برخوردار نیست و نرخ سود بازار غیررسمی با دامنه تغییرات فاحشی همراه است.

با توجه به فرصت های مختلف سرمایه گذاری، به ویژه در بخش بازرگانی، عرضه کنندگان پول، سود مورد انتظار خود را با فرصت یاد شده مقایسه می کنند و ضمن ارزیابی ریسک مربوطه، با لحاظ کردن میزان ریسک پذیری خود، سودهای مورد انتظار متفاوتی را مطالبه می نمایند. با وجود این، کمترین ریسک در بازار غیررسمی مربوط به نرخ سودی است که بنگاه های معاملات املاک و مستغلات برای مبالغ رهن و اجاره در مدنظر قرار می دهند و در معاملات اعمال می نمایند. نرخ مذکور در دهه اخیر ماهانه به ازای هر ده میلیون ریال ۲۵۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است که معادل نرخ سود مورد انتظار ۳۰ تا ۳۶ درصد در سال می گردد. نرخ سود مذکور در همه سال ها از بیشترین نرخ سود تسهیلات بانکی (۲۵ درصد در سال) نیز حداقل پنج درصد بیشتر بوده است.

به این ترتیب، تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی که با بیشترین سود مورد انتظار همراه بوده، از ارزان ترین منابع مالی بازار غیررسمی نیز پنج درصد در سال ارزان تر بوده است. صفوف طولانی متقاضیان تسهیلات بانکی، به ویژه جهت استفاده از تسهیلات در بخش های صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن و ساختمان، معلول تفاوت نرخ مذکور است.

لازم به یادآوری است که از مدتی قبل، با توجه به شاخص های مختلف اقتصادی، نقطه نظرات گسترده ای در ارتباط با مسیر تغییر نرخ سود مطرح گردیده است که آنها را می توان در دو گروه عمده نظریات طرفداران افزایش نرخ سود و نظریات طرفداران کاهش نرخ سود تقسیم بندی نمود.

نقطه نظرات طرفداران افزایش نرخ سود: پایه و اساس تفکر این گروه بر این اصل استوار است که در کشورهای در حال توسعه، از جمله در ایران، محدودیت اصلی در "کمبود منابع مالی" و نه در "هزینه مالی" می باشد، لذا با افزایش نرخ سود، میزان سپرده گذاری افزایش می یابد و این امر در نهایت با افزایش میزان سپرده، باعث افزایش سرمایه گذاری و رشد می گردد. بالا رفتن نرخ سود سپرده ها موجب کاهش تورم می گردد، از طرف دیگر، نرخ سود می بایستی همواره از نرخ تورم بالاتر باشد، در غیر این صورت، این امر موجب از دست رفتن بخشی از دارایی و قدرت خرید سپرده گذاران می شود. با توجه به این امر که کشورهای در حال توسعه با مشکل اشتغال مواجه هستند، افزایش نرخ سود سپرده ها باعث می شود تا

سرمایه گذاری ها به سمت استفاده از تکنولوژی های کاربر سوق داده شود تا تکنولوژی های سرمایه بر.

نقطه نظرات طرفداران کاهش نرخ سود: این گروه معتقدند که بالا بودن نرخ سود سپرده موجب می شود که مردم منابع خود را در فعالیت های اقتصادی به کار نگیرند و آن را به صورت سپرده بانکی با سود خوب و مطمئن و بدون ریسک و مالیات درآورند. پس بالا بودن نرخ سود، موجب افزایش هزینه تمام شده سرمایه گذاری و تولید کالا و خدمات می شود و افزایش قیمت تمام شده کالاها، موجب کاهش قدرت رقابت محصولات تولیدی می گردد.

همانطور که قبلا نیز بیان گردید، نقطه نظرات هر دو گروه، از پشتوانه استدلالی برخوردار است، ولی آنچه تصمیم گیری در ارتباط با راه حل مناسب در کشور ایران را مشکل می نماید، نبود زیرساخت های مناسب اقتصادی است. به عنوان مثال، در صورت کاهش سود، بیشتر سپرده ها با توجه به ساختار اقتصاد کشور به سمت فعالیت های بازرگانی و زودبازده حرکت خواهند کرد و نه سرمایه گذاری در صنعت و بخش های تولیدی. در این حالت، به شدت منابع نظام بانکی کاهش پیدا می کند و با منابع اندک تک تک سپرده گذاران نیز نمی توان پروژه های بزرگ را اجرا کرد. از طرف دیگر، اگر نرخ در حدی باشد که برای تسهیلات تقاضایی وجود نداشته باشد، در آن صورت، بانک ها ناگزیر برای رسیدن به نقطه تعادل، نرخ را پایین می آورند. بهترین شرایط، نقطه تعادلی است، یعنی شرایطی که بانک ها حداکثر منابعی را که می توانند تسهیلات بدهند، سپرده جمع آوری نمایند. در این حالت، نرخ به صورت خود به خود مشخص می شود.

شرط لازم برای
اجرای بانکداری
بدون ربا، تلاش در
جهت کنترل و حفظ
ارزش پول است.





آزادسازی نرخ سود در نظام بانکداری بدون ربا

در این روش، بانک‌ها به جای بانک مرکزی اقدام به محاسبه هزینه‌های بانک در بخش تسهیلات می‌نمایند. برای این منظور، بانک‌ها می‌بایستی اقدام به ایجاد نظام‌های رتبه‌بندی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری مشتریان بنمایند و بعد از محاسبه ریسک اعتباری مشتری و باتوجه به مدت زمان تسهیلات (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) اقدام به محاسبه هزینه بانک در اعطای تسهیلات نمایند.

شایان ذکر است که بانک‌ها در زمینه محاسبه ریسک اعتباری مشتریان، در حال حاضر با فقر علمی و تجربی مواجه می‌باشند و این در حالی است که مقررات کنوانسیون بال ۲ ایجاد نظام‌های سنجش ریسک در بانک‌ها را بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر نموده است.

برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری مشتریان هم در حال حاضر دو روش وجود دارد:

(الف) مدل‌های ریاضی که استفاده از آنها نیاز به کارشناسان خیره و با تجربه دارد که در حال حاضر، بانک‌ها با مشکلات عدیده‌ای در این زمینه روبه‌رو هستند.

(ب) روش‌های توصیفی - آماری. در این روش، شاخص‌های مختلف مالی و غیرمالی براساس اهمیت، درجه‌بندی می‌شوند و به آنها وزنی (براساس اهمیت آنها) داده می‌شود. سپس براساس مجموع وزن‌ها، میزان ریسک هر یک از مشتریان محاسبه می‌گردد. برای استفاده از روش‌های فوق، بانک‌های کشور تاکنون اقدام مؤثری انجام نداده‌اند.

زمان نیز یکی دیگر از عوامل محاسبه حداقل هزینه بانک‌ها بدون توجه به عقود مورد استفاده است. هر چه زمان پرداخت تسهیلات بلندتر باشد، بانک با ریسک نقدینگی بالاتری مواجه است. لذا بایستی هزینه بالاتری را از مشتری طلب نماید. برای مثال، ساختار زمانی نرخ بهره در بسیاری از موارد ساختاری صعودی است، به این معنی که در هر زمان اگر به نرخ بهره تعهدات مالی برحسب مدت‌های مختلف از شبانه تا چند ساله نگاه کنیم، صعودی بودن این نرخ‌ها قابل توجه است.

در نهایت براساس نرخ سود تسهیلات محاسبه شده، نرخ سود سپرده به شرح زیر قابل محاسبه خواهد بود: کارمزد و هزینه بانک - نرخ سود تسهیلات = نرخ سود سپرده.

قابل ذکر است که با توجه به اینکه نرخ سود تسهیلات براساس ریسک اعتباری مشتریان محاسبه می‌گردد، در این حال، ممکن است نرخ سود سپرده‌ها در بانک‌های مختلف، متفاوت باشد، که این امر باعث افزایش رقابت بین بانک‌ها می‌شود.

بسترهای مورد نیاز جهت آزادسازی نرخ سود

طبیعتاً آزادسازی نرخ سود بایستی با توجه به مباحث گسترده‌تر، از جمله توسعه سیستم مالی و مباحث مربوط به سیاست‌های کلان اقتصادی صورت گیرد. به عبارت دیگر، نکته قابل توجه این است که آزادسازی نرخ سود در صورت بی ثباتی سطح عمومی قیمت‌ها و وضعیت اقتصادی نامطلوب

(نرخ تورم بالا، رشد اقتصادی کند، نرخ بیکاری بالا) و در صورت فقدان سیستم‌های نظارتی بانکی قوی در کشور، باعث فرونی نرخ‌های سود حقیقی از بازدهی نهایی سرمایه خواهد شد، و این امر در نهایت به انباشتگی مطالبات معوق انجامیده و مجدداً مداخله دولت را طلب می‌نماید.

با توجه به مطالب عنوان شده در مورد نرخ سود می‌توان گفت:

(۱) نرخ سود مورد انتظار تابعی از تورم، ریسک و حداقل سود مورد انتظار است.

(۲) نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده‌ها در کشور ما، تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست.

(۳) اعمال سیاست‌های پولی و نظارت بر عملیات سیستم بانکی در کشور ما، به گونه‌ای است که پوشش ریسک و نرخ تورم از طریق تغییرات نرخ سود امکان‌پذیر نمی‌باشد.

به منظور افزایش کارایی بانک‌ها و ایجاد رقابت سالم ضروری است که آزادسازی نرخ سود - اعم از نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات بانکی - در کلیه بخش‌های اقتصادی به تدریج جایگزین اعمال نرخ‌های از پیش تعیین شده گردد.

الگوی فعلی بانکداری بدون ربا برای ایران

به طور خلاصه می‌توان فعالیت‌های اصلی بانکی در الگوی فعلی بانکداری ایران را در سه بخش تجهیز منابع پولی، تخصیص منابع پولی و خدمات بانکی به شرح زیر جای داد، با یادآوری این نکته که برای دور نشدن از موضوع اصلی، از بررسی بخش خدمات بانکی در اینجا صرف نظر شده است.

(الف) بخش تجهیز منابع پولی: مطابق ماده ۱۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، سه نوع سپرده برای بانک‌ها تعریف شده است:

(۱) **سپرده قرض الحسنه جاری:** این سپرده براساس قرارداد قرض بدون بهره بوده و سپرده‌گذار حق دارد عندالمطالبه منبع خودش را به‌وسیله چک شخصاً یا توسط دیگری برداشت کند. به این نوع سپرده، سودی پرداخت نمی‌شود و در مقابل، سپرده‌گذار از خدمات رایگان حساب جاری استفاده می‌کند.

بازار غیررسمی پول و سرمایه در ایران، علیرغم گستردگی‌اش، از انسجام لازم برخوردار نیست و نرخ سودبازار غیررسمی با دامنه تغییرات فاحشی همراه است.



گر چه صوری شدن معاملات در بانک‌های بدون ربا، علل و عوامل مختلف دارد، لیکن یکی از عوامل مهم آن، آموزش ناکافی کارگزاران بانک و عدم تفهیم مناسب مشتریان است.

قراردادهای مشارکتی چون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات تأمین می‌کند و با آنان در سود حاصل از فعالیت اقتصادی شریک می‌شود. این قراردادها ماهیت اذنی داشته و بانک در مقابل سهمی از سود به متقاضیان تسهیلات، اذن تصرف در سرمایه و استفاده از آن را می‌دهد.

۴ سرمایه‌گذاری مستقیم: در این شیوه، بانک بخشی از منابع را در فعالیت‌های مستقیم اقتصادی چون ساخت سدها، فرودگاه‌ها، بزرگراه‌ها، تونل‌ها و سایر پروژه‌های بزرگ زیربنایی سرمایه‌گذاری می‌کند و ارزش افزوده طرح‌ها و پروژه‌ها را به عنوان سودبانک و سپرده‌گذاران لحاظ می‌کند.

مشکلات و نارسایی‌های الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران

تجربه ۲۷ساله الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران نشان می‌دهد که این الگو گرچه توانسته است خلأ حاصل از حذف ربا را تا حدودی پر کند، لکن در عمل با مشکلات و نارسایی‌هایی مواجه است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱) تعدد و تنوع عقود: به کارگیری ۱۲ نوع قرارداد، با ماهیت‌های متفاوت غیرانتفاعی، مبادله‌ای با سود معین، مشارکتی با سود متغیر و سرمایه‌گذاری مستقیم، موجب می‌شود که فرایند آموزش کارکنان و مشتریان بانک‌ها، پیچیده و طولانی و پرهزینه شود، این در حالی است که تجربه بانک‌های بدون ربا نشان می‌دهد که با حداکثر پنج یا شش نوع قرارداد هم می‌توان تمام نیازهای مشتریان را جواب داد.

۲) صوری شدن معاملات: گرچه صوری شدن معاملات در بانک‌های بدون ربا علل و عوامل مختلف دارد، لکن یکی از عوامل مهم آن آموزش ناکافی کارگزاران بانک و عدم تفهیم مناسب مشتریان است، تعدد بیش از حد عقود و پیچیده و پرهزینه شدن فرایند آموزش موجب می‌شود که کارگزاران بانک اطلاعات کافی و لازم پیرامون کاربرد صحیح عقود نداشته باشند و در نتیجه، نتوانند مشتری را متناسب با نیاز واقعی راهنمایی و تفهیم کنند و این وضع باعث می‌شود که خیلی از قراردادها صوری و غیرواقعی شوند.

۳) عدم تناسب برخی از عقود با ماهیت بانک‌ها: الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران فرقی بین بانک‌های تجاری که به‌طور معمول در فعالیت‌های کوتاه مدت تا میان مدت فعالیت می‌کنند، با بانک‌های تخصصی سرمایه‌گذاری که به‌طور معمول در فعالیت‌های میان مدت تا بلندمدت فعالیت می‌کنند، نگذاشته است و تمام عقود برای تمام بانک‌ها - اعم از تجاری و تخصصی - قابلیت اجرا دارند.

۴) هزینه بالای اجرای صحیح برخی از عقود در بانک‌ها: عقود مشارکتی، به‌ویژه مشارکت مدنی و مضاربه، همینطور سرمایه‌گذاری مستقیم، احتیاج به ساختار و نیروی انسانی مناسب دارند تا بانک با مطالعه دقیق طرح‌ها از توجیه اقتصادی آنها مطلع شود و در مراحل اجرا و بهره‌برداری نیز با نظارت و کنترل مؤثرتر توسط کارشناسان شایسته، بتواند از حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند. این در حالی است که بانک‌های تجاری که در همه بخش‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند،

۲) سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز: این سپرده نیز براساس قرارداد بدون بهره بوده و سپرده‌گذار حق دارد در مواقع نیاز به بانک مراجعه و منابع خود را برداشت کند. به این نوع سپرده‌ها هم سودی پرداخت نمی‌شود و برای تشویق سپرده‌گذاران اعلام می‌شود که مانده موجودی آنان در امور خیر و قرض‌الحسنه صرف می‌شود و آنان در پاداش معنوی آن شریک می‌شوند. افزون بر این، به صورت قرعه‌کشی به برخی از سپرده‌گذاران نیز جوایز نقدی پرداخت می‌شود.

۳) سپرده سرمایه‌گذاری: این نوع سپرده‌ها که به دو نوع کوتاه مدت سه تا نه ماهه و بلندمدت یک تا پنج ساله تقسیم می‌شوند، براساس قرارداد و کالت عام هستند. در این حالت، بانک به عنوان وکیل و جوه نقدی سپرده‌گذاران را دریافت می‌کند و در معاملات سودآور به کار می‌گیرد و در پایان سال مالی، سود حاصل از آن معاملات را پس از کسر حق‌الوکاله به سپرده‌گذاران می‌پردازد.

ب) بخش تخصیص منابع پولی: مطابق مواد هفت تا ۱۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند منابع حاصل از انواع سپرده‌ها را پس از کسر سپرده قانونی و ذخیره احتمالی (نقدینگی) به شیوه‌های زیر تخصیص دهند:

۱) اعطای قرض‌الحسنه: در این شیوه، بانک‌ها منابع موثر سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را به صورت قرض‌الحسنه در امور خیرخواهانه چون ازدواج، تحصیل، درمان و اشتغال به کار می‌گیرند. این وام‌ها بدون بهره‌اند و از گیرنده تسهیلات درصد ناچیزی به عنوان کارمزد بانک دریافت می‌شود.

۲) قراردادهای مبادله‌ای: در این شیوه، بانک با استفاده از منابع سپرده‌گذاری و سایر منابع بانک، با متقاضیان تسهیلات وارد قراردادهای مبادله‌ای چون فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، و غیره می‌شود. این قراردادها، مالکیت تملیکی داشته و براساس نرخ‌های سود معین به متقاضیان، تسهیلات بانکی داده می‌شود.

۳) قراردادهای مشارکتی: در این شیوه، بانک با استفاده از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سایر منابع بانک، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز فعالان اقتصادی را از طریق

ساختار و نیروی انسانی متخصص و مناسب برای این کار ندارند و اگر بخواهند در مرحله‌های مختلف فعالیت کنند، هزینه عملیاتی‌شان به شدت بالا می‌رود. این در حالی است که مطالعه تجربه بانک‌های تجاری بدون ربا نشان می‌دهد که این بانک‌ها می‌توانند با تمرکز بر روی عقود مبادله‌ای، همه نیازهای مورد انتظار از بانک تجاری را پاسخ مناسب دهند.

۵) عدم انطباق ماهیت سپرده‌ها با اهداف و سلیقه‌های سپرده‌گذاران: یک نظام بانکی جامع باید با طراحی انواع سپرده‌ها، توان جذب وجوه مزاد همه سپرده‌گذاران راداشته باشد. مطالعه اهداف، انگیزه‌ها و روحیات سپرده‌گذاران در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که حداقل با انواع سپرده‌گذاران زیر مواجه هستیم:

الف) کسانی که برای استفاده از خدمات حساب جاری اقدام به سپرده‌گذاری می‌کنند.

ب) کسانی که برای مشارکت در ثواب اعطای قرض‌الحسنه اقدام به سپرده‌گذاری می‌کنند.

پ) کسانی که به قصد پس‌انداز سپرده‌گذاری می‌کنند و در عین حال، می‌خواهند سودی هم دریافت کنند.

ت) کسانی که برای کسب سود معین و ثابت سپرده‌گذاری می‌کنند.

ث) کسانی که برای رسیدن به سود انتظاری بالاتر سپرده‌گذاری می‌کنند و آماده پذیرش ریسک هم هستند.

الگوی فعلی بانکداری بدون ربا، تنها برای گروه‌های اول و دوم و تا حدودی برای گروه آخر جواب مناسب دارد، ولی نسبت به گروه سوم و چهارم، روشی راعمرفی نمی‌کند. این در حالی است که در الگوی جدید نشان داده می‌شود که با استفاده از معاملات شرعی برای این دو گروه نیز می‌توان سپرده مناسب طراحی کرد.

۶) عدم تناسب برخی از عقود با مقاصد متقاضیان تسهیلات: مطالعه قراردادهای مشارکت مدنی و مضاربه بانک‌های تجاری نشان می‌دهد که در غالب این موارد، نه بانک و نه متقاضی تسهیلات در صدد مشارکت یا مضاربه واقعی نیستند. در اکثر این موارد به ظاهر قرارداد مشارکت یا مضاربه منعقد می‌گردد، لیکن در عمل هیچ یک از طرفین ملتزم به لوازم آن نیستند.

الگوی جدید برای بانکداری بدون ربای ایران

الگوی جدیدی که برای بانکداری ایران طراحی شده و در تاریخ بیست و هفت آذرماه هشتاد و پنج در همایش چالش‌های بانکداری اسلامی به همت وزارت اقتصاد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و بانک صادرات ایران معرفی شده، به شرح زیر است:

الگوی جدید که در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا ارائه شده است، بانک‌های کشور را با منطقی‌روشن و قابل دفاع به سه گروه بانک‌های تجاری، تخصصی و جامع تقسیم می‌کند و با ارائه چارچوبی منطقی برای بانک‌های تجاری و تخصصی، آنها را از ورود به فعالیت‌های زاید و پرهزینه باز می‌دارد.

در این الگوی جدید، انواع قراردادهای تسهیلات بانکی به تناسب ماهیت بانک‌های تجاری و تخصصی تفکیک می‌شوند و در نتیجه، اولاً تعداد عقود کاهش می‌یابد، ثانیاً متناسب با نیاز واقعی مشتریان و نوع فعالیت بانک، مورد استفاده قرار می‌گیرد که سهولت آموزش و تسهیل در انعقاد دقیق تر قراردادهای را به همراه دارد و باعث جلوگیری از اتلاف وقت و سردرگمی مشتریان می‌شود.

در این طرح، فعالیت بانک‌ها و نوع قراردادهای گونه‌ای تنظیم شده که با اهداف و سلیقه‌های مشتریان تناسب داشته باشد و بر این اساس، نظام بانکی هم برای افرادی که دنبال قراردادهایی با نرخ‌های مشخص هستند و هم برای آنانکه به دنبال سود بالاتر در قبال پذیرش ریسک بیشتر می‌باشند، راهکارهایی روشنی را ارائه داده است.

در این الگو، نوع انتخاب قراردادهای متناسب با نوع فعالیت بانک‌ها و تطبیق آنها با اهداف و سلیقه سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات، باعث خواهد شد تا قراردادهای به صورت واقعی اجرا شوند و نظام بانکی از اتهام صوری بودن معاملات رهایی یابد. همچنین طبقه‌بندی قراردادهای متناسب با ماهیت و توان بانک‌ها، باعث کاهش هزینه بانکی و در نتیجه، باعث کاهش هزینه استفاده از تسهیلات بانکی می‌شود.

استفاده از این روش، ضمن شفافیت و سهولت در اجرای عقود اسلامی، موجب هماهنگی بیشتر با استانداردهای حسابداری و در نتیجه، انطباق عملیات بانکی کشور با قواعد بانکداری متعارف بین‌المللی می‌شود.

این الگو براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا طراحی شده، قانونی که مصوب مجلس شورای اسلامی است و با تأکید فقها و حقوقدانان شورای نگهبان تنظیم شده و اجرای آن صرفاً نیازمند بازنگری در برخی از دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی خواهد بود.

در این طرح، بانک‌های تجاری فقط با عقود مبادله‌ای چون فروش اقساطی، خرید دین، سلف، اجاره به شرط تملیک و غیره فعالیت خواهند کرد و افرادی که ریسک‌گریز هستند و مایلند سپرده‌های خود را با نرخ ثابت به بانک بسپارند، می‌توانند در این نوع بانک‌ها سرمایه‌گذاری کنند و تسهیلات گیرندگانی هم که به تسهیلات کوتاه مدت و سریع نیاز دارند، از منابع این نوع بانک‌ها استفاده خواهند کرد. نوع دوم بانک‌ها در الگوی یاد شده، بانک‌های تخصصی و سرمایه‌گذاری هستند که به دلیل وجود کارشناسان خبره در آنها، نظارت بر طرح‌ها دقیق تر خواهد بود و امکان استفاده از عقود مشارکتی در آنها وجود دارد. افراد ریسک‌پذیر می‌توانند با انتظار دریافت سود بیشتر در این بانک‌ها سرمایه‌گذاری کنند. نوع سوم بانک در این الگو، بانک‌های جامع هستند که علاوه بر استفاده از دو نوع عقد مبادله‌ای و مشارکتی یاد شده، فعالیت غیرانتفاعی و قرض‌الحسنه نیز می‌توانند در این بانک‌ها صورت گیرد و افرادی هم که نیت خیر دارند، می‌توانند منابع خود را به عنوان قرض‌الحسنه در این بانک‌ها نگهداری کنند.

نتیجه‌گیری

اول: تغییر ساختاری که معمولاً مورد نظر است، خیری جز

با تبدیل بانک از یک واسطه مالی و مؤسسه پولی به شرکتی که بایستی با بسیاری از کارهای تجاری و تخصصی آشنا باشد، دیگر بانک اسلامی تحقق نیافته، بلکه به جای آن، یک شرکت تخصصی دارای فنون و مهارت‌های مختلف ایجاد گردیده است.



وام‌های تولیدی که بخش غالب وام‌ها در اقتصاد مدرن هستند، پرداخت مازاد به میزان تورم موجود در کشور حکم مسلمی دارد، چرا که دارایی تولیدکننده به طور خود به خود و به میزان تورم، افزایش ارزش پیدا می‌کند، افزایش ارزشی که طرف متناظر آن را باید در کاهش ارزش (یا کاهش قدرت خرید) مبلغ وام جستجو نماید. لذا پرداخت مازادی معادل تورم توسط مقرض به مقتضی، عملاً ردینی است که ادای آن لازم است.

سوم: نقطه شروع تلاش برای حذف ربا از نظام بانکی و اقتصاد و خاصه شفاف و روان شدن عملیات بانکی، قبول عمومی تعریف ربا و عملیات ربوی است. تا زمانی که حکم ربوی بودن مناسبات استقرایی بر ارزش صوری یا اسمی پول (یعنی بدون توجه به کاهش ارزش آن به دلیل تورم) استوار است، تغییر ساختار نظام بانکی تنها مشکلات رونمایی این نظام را رفع و رجوع می‌کند. اجماع متخصصان و کارشناسان مسایل پولی و بانکی بر موضوع قیمی بودن پول و اعلام آشکار مخالفت‌ها بر موضوع مثلی بودن پول، راه را برای بازبینی آنچه تاکنون مشهور فقها بوده، خواهد گشود. چنانچه مفاهیمی عمومی منجر به صدور یک حکم فقهی گردد که به موجب آن، جبران کاهش ارزش پول، ربا تلقی نشود، بانکداری اسلامی در قالب یک نظام بانکی ساده و روان قابل اجراست، نظامی که به سپرده‌گذاران به میزان تورم پاداش می‌دهد و از وام‌خواهان مازادی به میزان تورم طلب می‌کند. در چنین نظامی، عملیات بانکی بین‌المللی و از جمله فعالیت شعب خارج از کشور بانک‌های داخلی که کماکان خارج از شمول قانونی عملیات بانکی بدون ربا تلقی می‌شوند و نیز کلیه بانک‌هایی که فقط به حکم مجمع تشخیص مصلحت، ضرورت اجرایی پیدا کرده‌اند، مبانی روشنی خواهد یافت.

تخصیصی کردن بانک‌ها و تقسیم وظایف آنها ندارد که حیثاً بخشی از نارسایی‌های موجود را رفع خواهد کرد، بدون آنکه به مشکل اصلی، یعنی دسترسی به مفهوم ربا در شرایط تورمی پاسخ داده باشد. هرگاه امر بر این دایر شود که جبران کاهش ارزش پولی که به وام داده شده (و یا نزد بانک سپرده‌گذاری شده) عملی ربوی نیست، در آن صورت، می‌توان باتکیه بر ابزارهای متعارف و شناخته شده در همه جهان، نظام بانکی کشور را از هزار توی مسایلی که بانک‌ها را به عرصه دادوستد کشانده، رهایی بخشید، عرصه‌ای که هیچ ابزاری برای شناخت صوری یا واقعی بودن معاملات آن وجود ندارد. واسطه‌گری وجوه، وظیفه اصلی نظام بانکی است و دادوستد، عرصه‌ای است که بانک‌ها فاقد تخصص لازمه آنند.

دوم: بر هیچ کس پوشیده نیست که قدرت خرید پول و یا ارزش واقعی آن، به دلیل تورم کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه، وام دهنده (سپرده‌گذار) به میزان تورم متضرر می‌شود و وام‌گیرنده (به جز در مورد وام‌های مصرفی) به همان مقدار منتفع می‌گردد. این اصل بدیهی‌تر از آن است که برای اثبات آن دلیل یا برهان لازم باشد. از این رو، چنانچه مسوولان نظام بانکی کشور مایل به بهبود مناسبات بانکی بر مبنای اسلامی هستند، باید ابتدا و قبل از هر اقدام دیگری، تعریف خود را از ربا روشن کنند. مراجع دینی نیز در صورتی که توسط اقتصاددانان توضیحات لازم داده شود، بعید است که با آن به مخالفت برخیزند. در واقع، پایه حرمت ربا در شریعت، ظلمی است که در عملیات ربوی مستتر است. به همین استناد می‌توان عدم جبران کاهش ارزش سپرده‌های مردم و نیز وام‌های پولی را از مصادیق ظلم محسوب داشت و جبران آن را نه فقط ربوی تلقی نکرد، بلکه ضروری دانست. در

منابع و مأخذ

- ۱) موسویان، عباس/ ۱۳۸۵/ مبانی فقهی و حقوقی بانکداری بدون ربا.
- ۲) سیف، ولی‌الله و بهمنی، محمود/ ساختار نرخ سود در بانکداری بدون ربا.
- ۳) ثابت، عبدالحمید/ ابزارهای نوین تأمین مالی.
- ۴) بانکداری در شریعت اسلام / سیدعباس موسویان.